

کلیات اصول فقه

(تحقیقی، استدلالی، ساده و کاربردی برای دانشجویان حقوق)

www.ketab.ir

مؤلف:

دکتر محمد وفا درویش پور

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

سرشناسه	: درویش پور، محمدوفا، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدیدآور	: کلیات اصول فقه: تحقیقی، استدلالی، ساده و کاربردی برای دانشجویان حقوق/مؤلف محمدوفا درویش پور.
مشخصات نشر	: قم: عصر جوان، ۱۴-
مشخصات ظاهری	: ج: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: ج: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۳-۱۷۸-۴۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: فهرستنویسی بر اساس جلد دوم، ۱۴۰۰.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: اصول فقه
موضوع	: Islamic law -- Interpretation and construction
رده بندی کنگره	: BP155
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۸۰۶۵۶
اطلاعات رکورد	: فیبا
کتابشناسی	

کلیات اصول فقه جلد دوم

مؤلف: محمدوفا درویش پور (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد ایذه)

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

انتشارات: عصر جوان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۲۵۳ - ۱۷۸ - ۴

کلیه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ می باشد.

مرکز پخش:

[قم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۶۷
 تلفن: ۰۳۷۷۳۰۰۳۷ - ۰۲۵ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۸۴۸۰]

فهرست مطالب

بخش اوّل: دلیل و اقسام آن	۹
فصل اوّل: کلیات	۱۰
مقدمه	۱۱
بحث اوّل: مفهوم دلیل و تقسیمات آن	۱۱
تقسیمات دلیل	۱۳
الف) اقسام دلیل از جهت منشأ وجودی	۱۴
ب) تقسیم از جهت منشأ اعتبار	۱۵
ج) تقسیم از جهت غایت	۱۵
د) تقسیم از جهت اِنواع ذهنی	۱۶
بحث دوّم: قطع و انواع آن	۱۸
مواردی از قطع موضوعی در قانون	۱۹
اعتبار و حجّت قطع طریقی	۲۰
قطع (علم) تفصیلی و اجمالی	۲۴
بحث سوّم: تجزی و عناوین حقوقی مشابه آن	۲۵
فصل دوّم: ظنّ و اماره	۲۹
بحث اوّل: مفهوم ظنّ در اصول فقه	۳۰
بحث دوّم: ارزش اثباتی و حجّت ظنّ	۳۰
بحث سوّم: تقسیمات ظنّ	۳۷
۴۱ بحث چهارم: ظنّ و اماره در حقوق	
فصل سوّم: مصادیق امارات در اصول فقه	۴۳
بحث اوّل: امارت آیات قرآن	۴۴
بحث مختصری از سندیت صدوری قرآن	۴۴
الف) عیبیت آیات قرآن با کلام	۴۵
ب) عدم تغییر و تحریف در قرآن	۴۶
ج) عدم نسخ در قرآن	۴۹
سندیت دلالی قرآن و کیفیت فهم آیات قرآنی	۵۰
بحث و بررسی از دلالت مُحکّمات	۵۸
ظواهر قرآن	۵۱
بحث دوّم: سنّت (خبر واحد)	۵۶
حجّت و اعتبارسنجی سنّت	۵۸
دلایل منکرین حجّت خبر واحد	۶۰
دلایل مدعیان حجّت خبر واحد	۶۱
الف) دلیل از آیات قرآن کریم	۶۱
ب) دلیل از روایات و سنّت بر حجّت خبر واحد	۶۴
ج) حکم عقل و سیره عقلاء	۶۵

۶۶.....	بحث سوّم: دلیل اجماع.....
۷۰.....	تبيين دیدگاه‌ها در چگونگی استنباط نظر معصوم (ع) از اجماع.....
۷۷.....	فصل چهارم: عقل و دلیلیت عقل.....
۷۸.....	بحث اوّل: مفهوم و کارکرد عقل.....
۷۹.....	کارکرد عقل در اندیشه اسلامی و بیان محل بحث.....
۸۱.....	بحث دوّم: رابطه دلیل عقل و اّماره و تاریخچه ورود بحث عقل به حوزه اجتهاد.....
۸۳.....	بحث سوّم: مستقلات و غیرمستقلات عقلی.....
۸۳.....	مصادیق مستقلات و غیر مستقلات عقلی.....
۸۴.....	مستقلات عقلی و مسأله حسن و قبح عقلی.....
۸۵.....	معنای حسن و قبح.....
۸۷.....	دلایل انکار حسن و قبح ذاتی توسط اشاعره.....
۸۸.....	ملازمه‌ی بین عقل و شرع.....
۸۹.....	بحث چهارم: غیر مستقلات عقلی.....
۸۹.....	الف) مقدمه‌ی واجب.....
۹۰.....	تقسیمات مقدمه.....
۹۲.....	ب) اجزاء.....
۹۵.....	ج) ملازمه بین امریه شیء و نهی از ضدّ آن.....
۹۸.....	د) اجتماع امر و نهی.....
۱۰۲.....	فصل پنجم: شهرت، سیره و عرف.....
۱۰۳.....	بحث اوّل: مفهوم شهرت و انواع آن.....
۱۰۴.....	بحث دوّم: بررسی اعتبار و حجیت شهرت.....
۱۰۵.....	بحث سوّم: عرف و سیره.....
۱۰۷.....	عناصر و ماهیت عرف.....
۱۰۷.....	بررسی ماهیت عناصر عرف.....
۱۰۸.....	عوامل شکل‌گیری عرف و ملاک اعتبار و حجیت آن.....
۱۰۹.....	جایگاه عرف در فقه و اصول.....
۱۱۷.....	فصل ششم: تعارض و تزاحم در دلیلها.....
۱۱۸.....	بحث اوّل: تعارض دلیلها و انواع آن.....
۱۲۰.....	حکم تعارض بین دلیلها (قاعده در تعارض ادّله).....
۱۲۱.....	موارد و مصادیقی از تعارض ظاهری.....
۱۲۱.....	بحث دوّم: حکومت و ورود.....
۱۲۶.....	مقایسه ورود با حکومت و تخصیص و تخصّص.....
۱۲۷.....	بحث سوّم: ترجیح، اسباب و انواع آن.....
۱۳۲.....	بحث چهارم: تزاحم.....
	حکم متزاحمین.....
۱۳۷.....	فصل هفتم: چند دلیل استنباط در فقه اهل سنّت.....
۱۳۸.....	بحث اوّل: قیاس.....
۱۳۸.....	ماهیت و ارکان قیاس.....
۱۴۰.....	تقسیمات قیاس.....

مقدمه

در جلد اول این کتاب مباحث اصول فقه را بر سه قسم قرار دادیم:

۱- ادبیات اصول فقه ۲- دلیل و اقسام آن ۳- اصول عملی. شرح مبحث ادبیات گذشت و اینک به بیان مباحث دلیل از جمله اصول عملی پرداخته می‌شود.

بحث اول: مفهوم دلیل و تقسیمات آن

واژه دلیل از نظر ادبی بر وزن «فعلیل» است، که اصل آن سه حرفی و حروف اصلی آن «دل» است. در لغت به معنای راهنما و راهگشا و راه بین‌و یا نشانه و علامت بر چیزی است. در اصطلاح علوم مختلف، تعاریف متعددی از آن شده است از جمله:

در ادبیات به معنای علت و سبب، انگیزه و جهت، نشانه و علامت، و هر چیزی است که جهت‌ما یا برای اقلان دیگری ارائه می‌شود.

در منطق و فلسفه، عبارت است از برهان و حجت، و برهان عبارت است از به کار گرفتن معلومات و قواعد مسلم و پذیرفته شده برای اثبات مجهولات. یا استدلال به دانسته‌های معلوم برای کشف موارد مجهول. مثلاً وقتی بدانید هر عددی که سمت راست آن صفر است زوج محسوب می‌شود. و هر عدد زوجی قابل تقسیم بر ۲ است. نتیجه می‌گیرید عدد ۵۰ نیز قابل تقسیم بر ۲ است. این استدلال بر اساس قاعده خاصی انجام می‌شود که بدان حجت یا برهان یا قیاس می‌گویند.^۱

۱. معین، محمد "فرهنگ فارسی" ص ۴۵۷. وستاج، احمد "فرهنگ بزرگ جامع نوین" ج ۱ و ۲، ص ۴۲.

۲ در منطق دلیل بر سه قسم است: قیاس، استقراء و تمثیل. قیاس یک استدلال عقلی است که ترکیب یافته از یقینات است ولی استقراء و تمثیل مبتنی بر تجربه و مشاهده است. قیاس منطقی عبارت است از کشف احکام موارد جزئی از طریق قواعد مسلم و قطعی پذیرفته شده. مثلاً یکی از قواعد قطعی و مسلم آن است که "هر مخلوقی خالق دارد" حال با استفاده از این قاعده کلی استدلال می‌شود که "چون جهان هستی مخلوق است پس لابد خالق دارد" در این صورت عقل با چنین استدلالی آفریدگاری برای هستی اثبات می‌کند. برهان دارای سه جز است:

۱- جمله ای که موضوع آن کلی است را مقدمه اول یا کبرا گویند. مانند هر مخلوقی خالق دارد. ۲- جمله ای که موضوع آن جزئی است را مقدمه دوم یا صغرا گویند. مانند این عالم مخلوق است ۳- نتیجه، حاصل مقایسه این دو مقدمه است.